

دست‌های نامرئی ناامنی‌های شمال

سخنگوی ریاست جمهوری: پیش از طالبان باید با پاکستان به توافق برسیم



ریاست جمهوری می‌گوید که دولت افغانستان در مرحله نخست گفت‌وگوهای صلح، پاکستان را هدف قرار داده تا با این کشور چارچوبی برای زمینه‌سازی مذاکرات صلح شکل دهد.

اجمل عیبدعابدی سخنگوی ارگ ریاست جمهوری به خبرگزاری جمهور می‌گوید که گفت‌وگوهای صلح در اولویت حکومت افغانستان است؛ اما این گفت‌وگوها آن قدر هم آسان نیست؛ بلکه زمان بیشتری را در بر می‌گیرد.

آقای عابدی تصریح می‌کند که...
ادامه صفحه ۶



صفحه ۶

نگرانی شدید مجلس سنا از تشدید ناامنی



دوران خود را سپری می‌کنند؛ وضعیت اقتصادی، اجتماعی و امنیتی کشور نیز در بدترین شرایط قرار دارد، همه روزه سربازان و مردم ملکی در کشور کشته می‌شوند؛ اما اختلافات در درون حکومت ادامه دارد.

آقای حارث افزود: رهبران حکومت برای منافع ملی کار نمی‌کنند و «بی‌غم باش» است.

به گفته وی، ۷ ماه می‌شود که وزیر دفاع خود را نتوانسته معرفی کند.

محمد موسی اچکزی عضو مجلس سنا گفت: رییس جمهور و به منافع ملی نمی‌اندیشند.

آقای اچکزی هشدار داد، در صورتی که حکومت به مشکلات مردم به ویژه مساله امنیت و پایان دادن به سرپرستی والیان و فرماندهان پولیس ولایات توجه نکند؛ مردم به جاده‌های بیرون خواهند شد.

در پی انتقادهای سناتوران مبنی بر افزایش ناامنی‌ها در کشور، هیأت اداری مجلس سنا اعلام کرد که مسوولان امنیتی به این مجلس فرا خوانده می‌شوند.

فضل‌هادی مسلم یار رییس مجلس سنا پس از نگرانی سناتوران از اوضاع بد امنیتی در کشور گفت: «بر اساس تصمیم کمیته روسا، مسوولان نهادهای امنیتی به جلسه روز یک شنبه هفته آینده فراخوانده شده و مشکلات امنیتی به بررسی گرفته می‌شود».

آقای مسلم یار افزود که هر سناتور می‌تواند در آنروز سوالات‌شان را از مسوولان امنیتی بپرسند.

اعضای مجلس سنا از افزایش نا آرامی‌ها در سراسر کشور به شدت انتقاد دارند و می‌گویند که در چنین شرایط حساسی، رهبران حکومت وحدت ملی درگیر تنش‌های درونی هستند.

نثار حارث عضو مجلس گفت: «حکومت پرچالش‌ترین

تنش میان چین و افغانستان بر سر پروژه «مس عینک»



اگرچه پنج ماه از درخواست‌ها از پکن برای به نصف رساندن امتیازاتش در معدن مس افغانستان می‌گذرد، دو کشور همچنان بر سر این معدن سه میلیارد دلاری مناقشه دارند.

به گزارش خیرگزاری رویترز، این معدن مس که در زیر بقایای یک شهر باستانی بودایی قرار دارد، یکی از دست نخورده ترین معادن جهان است. اما پروژه «مس عینک» از زمانی که «شرکت سهامی گروه متالورجیکال» چین در سال ۲۰۰۷ میلادی در مناقصه بهره برداری از این معدن پیروز شد، گرفتار تاخیر شده است.

بهره برداری از منابع معدنی یک تریلیون دلاری افغانستان برای اشرف غنی، رییس جمهوری این کشور در اولویت قرار دارد چرا که وی باید همزمان با کاهش تدریجی میلیاردها دلار کمک خارجی در چند سال آتی، بودجه کشور را تامین کند.

اما اظهارات تند چین در زمان سفر اشرف غنی به پکن بیانگر چالش بزرگ پیش رو برای توسعه صنعت در افغانستان بود. در افغانستان هیچ خط راه آهنی برای

معاون اول ریاست اجرایی: شورای عالی صلح لغو شود



معاون اول رییس اجرایی حکومت وحدت ملی افغانستان از عدم نقش شورای عالی صلح افغانستان در روند مذاکرات صلح این کشور خبر داد.

محمدخان معاون اول عبدالله عبدالله رییس‌اجرایی حکومت وحدت ملی افغانستان اعلام کرد: شورای عالی صلح افغانستان در روند مذاکرات صلح دولت کابل نقشی ندارد و در...

ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها

۱ نقش کمربند جنبش‌های اعتراضی در افغانستان

۲ یمن زیر چکمه‌های خونین استعمار

۳ رویکردی آیدتیک به زیباشناسی

۴ آکاهان: حلقاتی تلاش دارند توافق‌نامه سیاسی اجرایی نشود

۵

محمد اکرام اندیشمند

چرا در افغانستان دولت ملی

و مدرن تنکل نگرفت؟



داشت. روسیه تزاری و سپس دولت بلشویکی یا اتحاد شوروی نیز با کارت قومی در افغانستان بازی کردند. حتا دولت شوروی، دو جناح خلق و پرچم را به صورت جداگانه مورد توجه و حمایت قرار داد. این دو جناح بیشتر با هویت و تعلقات قومی شناخته می شدند.

منازعه درونی قدرت: منازعه قدرت تا دهه هفتاد قرن بیستم، منازعه قبیله‌یی و عشیره‌یی و منازعه خانوادگی شاه و شاهزاده‌گان قبیله حاکم بود. نکته مهم در منازعه قبیله‌یی قدرت، به محدودیت منازعه در یک قوم یعنی قوم پشتون و به دو قبیله مشخص سدوزایی و محمدزایی و سپس جنگ درونی قدرت میان سرداران محمدزایی برمی گشت. اما در پایان دهه شصت سده بیستم که سلطنت محمدظاهرشاه به دنبال منازعات قبیله‌یی قدرت با کودتای پسرکاکا و شوهرخواهرش محمدداوود برافتاد، منازعات قبیله‌یی قدرت جایش را به منازعات گروهی و قومی قدرت داد. در سال‌های حکومت حزب دموکراتیک خلق، منازعه قدرت با این رویکرد، تشدید شد. در سال‌های پس از فروپاشی حاکمیت این حزب، در دوره حکومت مجاهدین و حکومت طالبان، منازعه قومی قدرت ابعاد بیشتر یافت. منازعه قدرت در اشکال گوناگون، ناهمگونی و ناهمگرایی قومی و زبانی را پیچیده‌تر ساخت و به همان حد، شکل‌گیری دولت مدرن ملی را دور از دسترس قرار داد.

عامل فرهنگی: شامل سطح بسیار پایین سواد و آگاهی، تأثیرات دینی و مذهبی بر مبنای فهم و برداشت‌های متفاوت، رواج‌ها و سنت‌های قبیله‌یی و بومی در جامعه می‌شود. روحیه و فرهنگ ملی بنا بر عوامل مختلفی چون: بی‌سوادی اکثریت جامعه، ناآگاهی از مسایل ملی، ناهمگونی‌های قومی و زبانی، ناپیوسته‌گی‌های اجتماعی و زنده‌گی مجزا در روستاها و دره‌های نامرتب با هم، حضور و سکونت بدنه‌های اصلی و یا اکثریت اقوام افغانستان در کشورهای همسایه و...، تکوین و عینیت خوب نداشته است. روحیه و فکر وحدت ملی در افغانستان به آگاهی عمومی و خودجوش مبدل نشد....

محمدظاهرشاه تا ۱۹۴۹ مورد تأیید قرار گرفت. اما پس از استقلال شبه‌قاره و تشکیل پاکستان، این معاهده و سایر معاهدات قبلی میان دولت برتانوی هند و افغانستان، از سوی پارلمان کشور ملغا اعلان شد. سیاست دولت‌های افغانستان نسبت به این منازعه بر مبنای قومیت شکل گرفت؛ در حالی که ایجاد منافع مشترک ملی در یک کشور ناهمگون از لحاظ قومی و زبانی، از الزامات دولت-ملت‌سازی است. اما زمام‌داران افغانستان دیورند را به عنوان مرز جدایی پشتون‌ها به دو کشور، غیرقابل پذیرش تلقی کردند و این تلقی، بازتاب‌دهنده منافع قومی سایر اقوام نبود. در جامعه سیاسی و روشن‌فکری اقوام غیرپشتون، استمرار منازعه دیورند با رویکرد معطوف به قومیت، ابزاری در جهت تضعیف موقعیت سیاسی و اجتماعی آنان ارزیابی می‌شود. اما حاملان و حامیان قومی این داعیه در درون و بیرون دولت‌های افغانستان، چنین ارزیابی و نگرانی را مساوی به خیانت ملی می‌پنداشتند.

ب: رقابت‌های استعماری و جنگ سرد: افغانستان پیوسته به عنوان منطقه رقابت قدرت‌های توسعه‌طلب به‌خصوص روس‌ها و انگلیس‌ها مورد توجه بود. پس سقوط دولت تزاری روسیه در سال ۱۹۱۷ این بازی همچنان ادامه یافت. اما در پایان جنگ دوم جهانی، ایالات متحده آمریکا جانشین بریتانیا شد و رقابت به شکل جنگ سرد میان دو بلوک سوسیالیستی و سرمایه‌داری تشدید یافت. رقابت‌های جنگ سرد، افغانستان را در دهه هشتاد به میدان جنگ گرم این رقابت‌ها مبدل کرد. این جنگ و بی‌ثباتی زاده آن، افغانستان را بیشتر از پیش متشتت و متفرق ساخت، شکاف‌های قومی و زبانی عمیق و گسترده شد و دخالت خارجی در این افتراق افزایش یافت.

ج: نقش خارجی در تفرقه قومی: بریتانیا به عنوان قدرت استعماری رقیب با روسیه تزاری که شبه‌قاره هند را تا اواسط سده بیستم در سلطه داشت، نقش بسیار منفی در تفرقه و تضعیف افغانستان پس از ورود به شبه‌قاره هند ایفا کرد. این تفرقه تنها بر مبنای قومیت نبود، بلکه پیوسته میان شاهان و شاهزاده‌گان دو قبیله سدوزایی و محمدزایی و در داخل، میان هر کدام از سران مدعی قدرت هر دو قبیله جریان

ریشه‌های ناکامی دولت ملی مدرن و نافرجامی روند دولت‌ملت‌سازی در افغانستان را در عوامل زیر می‌توان به جست‌وجو گرفت:

عوامل سیاسی: عوامل سیاسی در ابعاد مختلف به عنوان یک چالش، پروسه شکل‌گیری دولت‌های مدرن و ملی را در دو سده اخیر عقیم ساخته است. کسب قدرت سیاسی نه از طریق انتخاب مردم، بلکه از راه منازعه و جنگ بر سر قدرت، عامل منفی در دولت-ملت‌سازی و شکل‌دهی دولت ملی مدرن است. استبداد و مطلق‌العنانی زمام‌داران در تاریخ معاصر افغانستان، پیوسته راه را به تشکیل دولت‌های مدرن و ملی بسته است. در حالی که مشارکت سیاسی و کثرت‌پذیری از الزامات شکل‌گیری چنین دولتی شمرده می‌شود. در دوران شکل‌گیری دولت‌های مدرن ملی و تکوین ملت-دولت به‌خصوص در سده بیستم، نظام سیاسی افغانستان در مسیر تمرکز قدرت خانواده‌گی قبیله‌محور و قوم‌گرا تداوم یافت.

همچنین ایجاد دولت ایدئولوژیک، یکی دیگر از عوامل بازدارنده در جهت تشکیل دولت مدرن ملی و تشکیل دولت-ملت است. افغانستان در چهار دهه اخیر شاهد دولت‌های ایدئولوژیک چپ و راست تمامیت‌خواه بود که قادر به شکل‌دهی دولت ملی مدرن نبودند.

عامل ساختاری: از سلطنت امیر عبدالرحمن خان تا امروز، ساختار نظام سیاسی متناسب با طرح یک دولت ملی و مدرن شکل نگرفت. در تمام این سال‌ها با نظام سلطنتی قبیله‌یی حاکم بوده یا نظام‌های جمهوری ایدئولوژیک و توتالیتر؛ نظام‌هایی که مشروعیت را نه از مردم که از اعمال زور با کودتاهای نظامی و یا با شورش مسلحانه و جنگ می‌گرفتند. چنین نظام‌هایی زمینه را برای تشکیل دولت‌های مدرن و ملی ناهموار می‌ساخت.

عوامل خارجی: عوامل خارجی یکی از عوامل قابل بحث در پروسه دولت-ملت‌سازی افغانستان است. سه موضوع مهم در این مورد قابل تذکر است:

الف: منازعه دیورند: توافق‌نامه دیورند میان وزیرخارجة هند بریتانیایی و امیر عبدالرحمن بر سر تعیین مرزهای شرقی و جنوبی افغانستان به امضا رسید. توافق‌نامه مذکور سپس از سوی شاهانی پس از امیر عبدالرحمن شامل: امیر حبیب‌الله، امیر امان‌الله، محمدنادرشاه و

سخن‌ماندگار

نقتر کم رنگ جنبترها

اعتراضی در افغانستان

افغانستان برای این‌که از وضعیت موجود بیرون شود و به کشوری فعال در عرصه سیاسی ارتقا پیدا کند، بدون شک به جنبش‌های اعتراضی نیاز دارد؛ جنبش‌هایی که نسبت به وضعیت موجود، لحن و زبان انتقادآمیز داشته باشند و بکوشند مطالبات جمعی و همه‌گانی را دسته‌بندی کنند.

متأسفانه طی بیشتر از سیزده سال گذشته، ما در کشور خود شاهد شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی مدنی منظم نبوده‌ایم و شاید یکی از مشکلات اصلی جامعه ما برای رفع کاستی‌ها در این موضوع نهفته باشد.

تحلیل‌گرانی که بیشترین توجه خود را به سیاست‌گذاری معطوف می‌کنند، به این نتیجه رسیده‌اند که در کشورهای دموکراتیک، ناآرامی‌های اجتماعی به امتیازگیری از دولت منتهی می‌شود و کسانی که در موضع ضعیفی قرار دارند و دست‌شان به جایی نمی‌رسد، استراتژی اعتراض را به عنوان اقدامی منطقی و عقلانی، انتخاب و مطالبات خود را از راه مسالمت‌آمیز و متعارف مطرح می‌کنند.

این در حالی است که در کشورهای غیردموکراتیک، «اعتراض» همواره یک اقدام سیاسی است. اما به باور آگاهان، اعتراض به حوزه سیاست محدود نمی‌شود و سایر حوزه‌های انسانی را نیز در بر می‌گیرد. اعتراض نه تنها وسیله‌یی برای بیان مطالبات سیاسی، بل که روشی است که به وسیله آن مجامع و اتحادیه‌ها شکل می‌گیرند، ارتباطات میان مردم ارتقا و افزایش پیدا می‌کند و نوعی معنا و برداشت از «خود» ارایه می‌شود.

جنبش‌های اجتماعی همه می‌خواهند به جهان مطلوب خود برسند؛ از این‌رو تشکیلات و ساختارهای بزرگ را در مقیاس کوچک ترسیم می‌کنند و به عبارت دیگر، اولین کاری که جنبش‌های اجتماعی انجام می‌دهند، عبارت است از ترسیم ذهنی مدلی که برای‌شان مطلوب است.

جنبش‌های اعتراضی، هم کوشش‌های معطوف به دگرگونی و تغییر جامعه را شامل می‌شوند و هم مجموعه تلاش‌های معطوف به تغییر خویش را در بر می‌گیرند. هرچند تغییر جامعه، اولین و اصلی‌ترین هدف جنبش‌های اعتراضی است.

جنبش‌های اعتراضی خواست‌های همه‌گانی را ترازبندی کرده و انسجام می‌بخشند و نمی‌گذارند که جامعه به سمت استبداد و خودکامه‌گی پیش برود. اگر در طول سیزده سال گذشته در افغانستان جنبش‌های اعتراضی قدرتمند شکل می‌گرفت، بدون شک تأثیر مثبت خود را در تحولات کشور نشان می‌داد.

مهم‌ترین اثرگذاری جنبش‌های اعتراضی می‌تواند در حوزه انتخابات و مبارزات انتخاباتی نمود پیدا کند. زیرا از درون جنبش‌های اعتراضی سوال‌های اساسی جامعه بیرون می‌شود و نامزدان می‌دانند که به کدام اولویت‌ها باید پاسخ دهند. در این روزها وقتی به برنامه‌های نامزدوزیران در شورای ملی نگاه می‌کنیم، بیشتر از گذشته به این باور اساسی دست می‌یابیم که چه‌قدر ما از مطالبات اصلی جامعه به دور هستیم و فکر می‌کنیم با روش‌های زیرکانه پوپولیستیک می‌توان اذهان عمومی را تسخیر کرد.

نامزدوزیران هر کدام برنامه‌های خود را دارند که متناسب به فهم و درایت‌شان از همان حوزه بیرون شده است. می‌گویند رئیس جمهوری در هنگام صحبت با نامزدوزیران تلاش کرده که برخی خطوط اساسی را در اختیار آن‌ها بگذارد تا پیرامون همان خطوط بیانیه‌های خود را تنظیم کنند. اما باید اعتراف کرد که گفت‌وگوهای رئیس جمهوری با نامزدوزیران نیز به هیچ‌وجه به معنای استراتژی‌های کلان دولت بوده نمی‌تواند.

آقای رئیس جمهوری طرح‌ها و برنامه‌های شخصی خود را که از نظر او مطلوب به نظر می‌آیند، در اختیار نامزدوزیران قرار می‌دهد و نه چیزی به عنوان نقشه کلان برنامه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی افغانستان. این جاست که به جنبش‌های اعتراضی باید توجه نشان داد؛ همان جنبش‌هایی که غرب را به تحکیم مناسبات دموکراتیک و مردم‌سالارانه سوق داده است.

افغانستان این فرصت را دارد که به جنبش‌های اجتماعی به صورت دقیق بیندیشد. زیرا رسیدن به جامعه مطلوب صرفاً از طریق جنبش‌های اجتماعی میسر می‌گردد.

نخبه‌گان جامعه همواره در رأس جنبش‌های اعتراضی و اجتماعی قرار داشته‌اند و امروز نیز باید نخبه‌گان به این مسوولیت بزرگ سیاسی خود بیشتر از گذشته فکر کنند.

جامعه افغانستان و دولت جدید در حال فروپاشی است. این فروپاشی تنها محصول تفکرات متضاد و غیرمتجانس رهبران آن نیست؛ بل از این جهت هم دست‌خوش فروپاشی شده است که نمی‌تواند مطالبات عمومی را دریابد.

رهبران دولت وحدت ملی در نهاد به انتقاد از خود ادامه خواهند داد و هرگز به راه چاره مشکلات نخواهند رسید؛ زیرا جامعه آن‌ها را در شناخت مطالبات و اولویت‌ها کمک چندانی نکرده است.

چرا در افغانستان دولت...

اگر گاهی از روحیه ملی و وحدت ملی در سطح افکار عمومی سخن می‌رود، تنها در زمان وقوع هجوم خارجی به صورت عاطفی مورد بحث و توجه قرار می‌گیرد. استبدادپذیری، بی‌تفاوتی در برابر پدیده‌های خوب و بد سیاسی و اجتماعی، بخشی دیگر از شاخصه‌های فرهنگی جامعه افغانستان است. حضور و غلبه این فرهنگ در اذهان و افکار عامه، یکی از موانع در جهت تشکیل دولت-ملت و ایجاد جامعه شهروندی است.

تصویر ناروشن از ارزش‌ها و منافع مشترک ملی: ارزش‌های مشترک ملی، ارزش‌هایی فراتر از تمام ارزش‌های قومی، قبیله‌ای، زبانی، دینی-مذهبی، سیاسی و اجتماعی شمرده می‌شود. اما ارزش‌ها و منافع مشترک ملی در افغانستان تعریف نشده و توافق‌ناپذیر مانده‌اند. تعدد گروه‌های قومی و زبانی، حیات مجزا و ناهمگون آن‌ها، ماندن در قیدوبست سنت‌های قبیله‌ای و قومی، مانعی در جهت معرفی و تثبیت ارزش و منافع ملی مشترک شمرده می‌شود.

عامل زبانی: تنوع و تعدد زبان در افغانستان یکی از چالش‌های بسیار مهم در ملت‌سازی و شکل‌گیری دولت-ملت است. تفاوت زبان، آدم‌ها را از هم جدا می‌کند. هرچند زبان یک امر اکتسابی است، اما زبان در افغانستان بیشتر با قومیت پیوند یافته و به عنوان یک عنصر تأثیرگذار در ملت‌سازی و تشکیل دولت-ملت نقش ایفا می‌کند.

عامل مذهبی: هرچند اکثریت مردم افغانستان مسلمان سنی حنفی مذهب اند، اما اقلیت شیعه دوازده امامی و شیعه اسماعلیه نیز بخشی از جامعه افغانستان را تشکیل می‌دهد. اختلاف تاریخی دو فرقه سنی و شیعه در ملت‌سازی و شکل‌گیری دولت-ملت در افغانستان در مقاطع مختلف نقش منفی بازی کرده است.

ساختار اجتماعی: جامعه افغانستان از اقوام و قبایل مختلف با زبان‌های متفاوت و حتا مذاهب متعدد تشکیل یافته است. اقوام و قبایل در این کشور دارای سنت‌ها و رواج‌های مختلف و متفاوت هستند. این ساختار در شرایط عقب‌مانده‌گی فکری و سطح بسیار پایین سواد و آگاهی، به تشتت و تفرق بیشتر جامعه چه در سطح عام و چه در سطح خواص انجامیده است. زیرا سنت و فرهنگ قبیله‌ای اقوام در تقابل و تعارض با هم قرار می‌گیرند و مانع تکوین فرهنگ ملی می‌شوند. حتا ساختار اجتماعی شهرها به‌خصوص پایتخت نیز ساختاری قومی است. عمدتاً شهرها میان اقوام تقسیم شده است.

یکی از چالش‌های ناشی از ساختار قومی در افغانستان، بهره‌گیری رهبران و گروه‌های سیاسی از این ساختار است. قومی بودن سیاست در افغانستان، پیوسته این رهبران سیاسی را به استفاده ابزاری از قومیت می‌کشاند. آن‌ها سعی در تداوم قومی بودن سیاست می‌کنند تا به عنوان رهبر قومی از مردم استفاده کنند و قوم را منبع مشروعیت و قدرت بسازند. بنابراین، قومی شدن سیاست در افغانستان مانع و چالشی عمده در مسیر دولت-ملت‌سازی به شمار می‌آید.

عوامل اقتصادی: فقر اقتصادی و ناتوانی‌های عمیق در بنیاد اقتصادی، از موانع جدی دولت-ملت‌سازی در افغانستان است. فقر اقتصادی و کمبود منابع مالی، دولت‌های افغانستان را در وابستگی دایمی به کمک‌های خارجی قرار داده؛ چنان‌که قطع این کمک‌ها پیوسته به فروپاشی دولت منجر می‌شود. امیرعبدالرحمن، حبیب‌الله خان و امان‌الله خان و نادرخان همه به کمک‌های بریتانیا وابسته بودند. ظاهرشاه و داوودخان نیز به کمک اتحاد شوروی وابسته بودند و نتیجه این وابستگی، انجام دو کودتای نظامی سال ۱۹۷۳ و ۱۹۷۸ از سوی هواداران شوروی بود. این وضع از قرن نوزدهم تا حال ادامه دارد و دولت آقای غنی و عبدالله نیز شدیداً به کمک خارجی‌ها وابسته است.

موقعیت جغرافیایی: از بُعد خارجی افغانستان به عنوان کشوری حایل میان دو قدرت استعماری روسیه تزاری و سپس روسیه بلشویکی و استعمار بریتانیا و سپس ایالات متحده آمریکا، پیوسته در میدان بازی و رقابت آن‌ها قرار داشته. همراهی کشورهای متحد منطقه‌ای قدرت‌های رقیب بین‌المللی در بازی و رقابت بر سر افغانستان، در بی‌ثباتی سیاسی کشور نقش بارز داشته است. در حالی که ثبات سیاسی از عناصر اصلی دولت-ملت‌سازی محسوب می‌شود.

ساختار جغرافیایی افغانستان از بُعد داخلی نیز برای دولت-ملت‌سازی چالش‌زا و دشوارآفرین است. موقعیت کوهستانی و پراکنده‌گی جمعیت کشور در میان دره‌های کوهستان‌ها و زنده‌گی روستایی و جدا از هم، پدیده تشکیل ملت را در افغانستان بیشتر از پیش غیرقابل دسترس می‌نمایاند.

آگاهان:

حلقاتی تلاش دارند توافق‌نامه سیاسی اجرایی نشود

ناحیه نوری

برخی حلقات و گروه‌ها در تلاش فراهم‌سازی شرایطی هستند که در نتیجه آن توافق‌نامه سیاسی تشکیل دولت وحدت ملی عملی نشده و زمینه برای تأمین منافع آنان فراهم شود. شماری از حقوق‌دانان در واکنش به عدم اجرای توافق‌نامه سیاسی میان رئیس‌جمهور و رئیس اجرائیه با بیان این مطلب گفته‌اند: خیلی‌ها در صدد این هستند تا میان دو تیم اختلافات افزایش یابد و مواد توافق‌نامه سیاسی اجرا نشود تا زمینه برای تأمین منافع آنان فراهم شود.

آنان همچنان می‌گویند: رئیس‌جمهور غنی برای نقض توافق‌نامه سیاسی به قانون اساسی پناه می‌برد که گویا من مطابق قانون عمل می‌کنیم و داکتر عبدالله هم در مقام دفاع قرار می‌گیرد و این مساله سبب شده تا مردم تصور کنند که توافق‌نامه سیاسی اجرا نشده و نمی‌شود.

به گفته آنان، در حالیکه در توافق‌نامه سیاسی که براساس آن حکومت وحدت ملی شکل گرفته، هر دو طرف تعهد کردند تا کرسی‌های دولت بین دو تیم ۵۰ = ۵۰ تقسیم شود؛ اما اکنون این توافق اجرا نمی‌شود و یکی از طرفین آن را نقض کرده است. براساس توافق‌نامه سیاسی که حکومت وحدت ملی بر مبنای آن شکل گرفت، رئیس‌جمهور با دو معاون خود برنامه می‌سازند و رئیس اجرائیه با دو معاون خود شورای وزیران را رهبری می‌کنند.

بر مبنای این توافق‌نامه، رئیس‌جمهوری و رئیس اجرائیه در پست‌های کلیدی امنیتی، سیاسی و اقتصادی به صورت مساوی سهم دارند. با این حال، رئیس اجرائیه با دو معاون خود شورای امنیت ملی نیز هستند.

اما اکنون تقریباً پس از گذشت هفت ماه از عمرحکومت وحدت ملی هر دو تیم همدیگر را متهم به نقض و عدم اجرای این توافق‌نامه می‌کنند. شهلا فرید استاد دانشگاه کابل و عضو اجندای ملی می‌گوید: توافق‌نامه سیاسی بر اثر فشارهای بیرون شکل گرفت، نه براساس رضایت دو طرف؛ بنابراین یکی از دلایل عمده عدم اجرای توافق‌نامه سیاسی همین مساله است.

بانو فرید افزود: رئیس‌جمهور برای نقض این توافق‌نامه به قانون اساسی پناه می‌برد و از این طریق اعتماد مردم را نسبت به خود جلب می‌کند که گویا من مطابق قانون عمل می‌کنم. او همچنان گفت: داکتر عبدالله هم در مقام دفاع



قرار می‌گیرد و همین مساله سبب می‌شود تا مردم هم تصور کنند که توافق‌نامه سیاسی اجرا نمی‌شود. این استاد دانشگاه تأکید کرد: چون در متن توافق‌نامه این مساله که داکتر غنی براساس توافق‌نامه سیاسی رئیس‌جمهور شده است، نیامده و اکنون این صداها بلند می‌شود؛ بنابراین داکتر غنی از این موقف استفاده می‌کند.

وی افزود: از متن این توافق‌نامه چنین برداشته می‌شود که اشرف غنی رئیس‌جمهور براساس قانون اساسی است و بعد از به قدرت رسیدن، توافق کرده که پست اجرائیه به وجود بیاید.

به گفته بانو فرید، داکترعبدالله با گذشت ملی این توافق‌نامه را امضا کرد و افغانستان را از بحران ملی نجات داد؛ اما هیچگاه تصور نمی‌کرد که این گذشت به زیان او تمام خواهد شد.

او گفت: ولی اکنون هم نیاز است تا هم داکتر عبدالله و هم اشرف غنی هر دو طرف گذشت کنند تا افغانستان با بحران مواجه نشود.

در همین حال، جعفر کوهستانی استاد دانشکده حقوق دانشگاه کابل می‌گوید: زیاده‌خواهی‌های بعضی‌ها و این‌که یک جانب می‌خواهد بالای طرف مقابل اعمال نفوذ داشته باشد، توافق‌نامه سیاسی را نقض می‌کند.

وی تأکید کرد: درحالی‌که در توافق‌نامه سیاسی که براساس آن حکومت وحدت ملی شکل گرفته، هر دو طرف تعهد کردند تا کرسی‌های دولتی بین دو

تیم تقسیم شود؛ اما اکنون دیده می‌شود که این تعهد و توافق اجرا نمی‌شود.

استاد کوهستانی افزود: توافق‌نامه سیاسی جایگاه قانون اساسی را دارد؛ زیرا در قانون اساسی ریاست جمهوری یک طبقه‌ای و در توافق‌نامه سیاسی دو طبقه‌ای شد؛ بنابراین باید هر دو طرف به آن پای‌بند باشد؛ اما متأسفانه چنین نیست.

به گفته او: بعضی افراد و گروه‌ها عمداً شرایط را طوری فراهم ساخته‌اند تا توافق‌نامه سیاسی میان دو تیم عملی نشود تا شرایطی فراهم شود که منافع آنان را تأمین کند.

این استاد دانشگاه می‌گوید: خیلی‌ها درصدد این هستند تا میان دو تیم اختلافات افزایش یابد و مواد توافق‌نامه سیاسی هم اجرا نشود تا زمینه تأمین منافع خود و گروه‌شان فراهم شود.

پس از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری سال گذشته به دلیل تقلبات گسترده جنجال‌ها میان تیم تحول و تداوم و اصلاحات و همگرایی تقریباً شش ماه طول کشید و بالاخره پس از تنش‌های زیاد یک حکومت توافقی براساس توافق‌نامه سیاسی شکل گرفت.

براساس این توافق‌نامه اشرف غنی رئیس‌جمهور و داکترعبدالله رئیس‌اجرائیه اعلام شد و براساس این توافق‌نامه باید قدرت میان دو تیم ۵۰، ۵۰ تقسیم شود.

رئیس‌جمهور:

رویکرد کنونی در سیستم تدارکات وزارت دفاع نباید ادامه یابد

کشور، به ویژه وزارت انرژی و آب در تطبیق پروژه کاسا ۱۰۰۰ تأکید نمود و به شرکت برشنا هدایت داد تا سیستم مدیریت خود را سر از نو تفتیش و بازرسی نموده، از نتایج آن اطمینان دهد.

رئیس‌جمهور غنی مبلغ ۴۷ میلیون افغانی صرفه جویی در کمتر از ۱۰ قرارداد ریاست عمومی اداره امور نسبت به سال گذشته را تمجید کرد.

رئیس‌جمهور غنی گفت که باید در قراردادهای وزارت فواید عامه بودجه خاص برای حفظ و مراقبت سرک‌ها در نظر گرفته شود، در قراردادهای وزارت تحصیلات عالی بر بلند بردن کیفیت اقلام اعاشوی لیلیه‌ها توجه بیشتر صورت گیرد و همچنان در قرارداد های وزارت دفاع ملی شفافیت لازم بوجود آید.

رئیس‌جمهور در اخیر این جلسه گفت که ما هیچ وقت اجازه نخواهیم داد تا روند خدماتی و اکمالاتی وزارت دفاع ملی با سکتگی روبرو شود، اما اصلاحات در سیستم تدارکات وزارت دفاع ملی یک امر لازمی بوده و رویکرد کنونی نباید ادامه یابد.



طرزاعمل و فورم معیاری کمیسیون تدارکات ملی جهت مؤثریت بیشتر، مورد بحث قرار گرفت.

رئیس‌جمهور ضمن این‌که بر مراعات نکات اساسی و لازم در اجراءات تدارکاتی تأکید نمود، به وزارت معارف هدایت داد که به منظور حمایت از شرکت‌ها و مطبوعه‌های داخلی و بلندبردن ظرفیت رقابت آنان در پروسه‌های قراردادهای، تلاش نماید.

رئیس‌جمهور کشور بر ایجاد ظرفیت ارزیابی کار متخصصین و مشاورین خارجی در ادارات

تحت ریاست محمد اشرف غنی رئیس‌جمهوری اسلامی افغانستان، جلسه هفته‌وار کمیسیون ملی تدارکات شب گذشته در ارگ دایر گردید.

در این جلسه که داکتر عبدالله عبدالله و سرور دانش نیز حضور داشتند، قراردادهای مربوط به وزارت های دفاع، معارف، انرژی و آب، فواید عامه و تحصیلات عالی، ریاست عمومی اداره امور، شرکت برشنا و ستره محکمه مورد بررسی قرار گرفتند.

براساس خبرنامه ارگ، همچنان در این جلسه

غلام محمد محمدی



یمن کشوری است در جنوب غرب قاره آسیا که در شمال و شمال شرق آن، عربستان سعودی و عمان قرار دارد و از استقامت‌های جنوب غرب و شرق محاط به آب است. (۱) به استناد اطلس جغرافیایی، حدود ۹۹ درصد مردم یمن مسلمان و از این میان، ۶۰ درصد آن‌ها سنی و باقی شیعه مذهب‌اند. از نظر نژادی ۹۲ درصد عرب، بیش از ۳ درصد سومالی، ۱ درصد سیاه‌پوست و بقیه مربوط به سایر نژادها هستند. یمن دارای ۵۵۵ هزار کیلومتر مساحت است و به استناد آمار سال ۲۰۰۴، ۲۰ میلیون و ۷۰۰ هزار جمعیت دارد. (۲) کشوری که در آغاز قرن شانزدهم به تصرف ترک‌های عثمانی درآمد و در سده نوزدهم استعمار بریتانیا در جنوب آن نفوذ کرد و بخش‌هایی از آن نیز زیر سلطه مصر قرار گرفت. سلطه ترک‌های عثمانی در سال ۱۸۷۲ بر یمن شمالی مسلم شد و تا جنگ نخست جهانی (۱۹۱۴ - ۱۹۱۸) ادامه یافت. استعمار بریتانیا در سال ۱۸۳۹ عدن و مربوطات آن را مکمل اشغال کرد و تا اوایل قرن ۲۰ سراسر یمن جنوبی را تصرف و امارت‌های آن را تحت‌الحمایه خویش ساخت. (۳)

در جریان چهار سال جنگ نخست جهانی، هنوز هم عثمانی‌ها بر یمن شمالی تسلط داشتند، اما از متن آن در سال ۱۹۱۸ دولت شاهی مستقل یمن شمالی (غالباً زیست‌بوم حوثی‌ها) به وجود آمد. دولت استعماری بریتانیا (مسلط بر جنوب یمن) دولت شمالی را به رسمیت نشناخت و درصدد اشغال یمن شمالی درآمد، اما بر اثر مقاومت حوثی‌ها ناکام شده مجبور گردید در سال ۱۹۳۴ طی قراردادی دولت شمالی یمن را رسمیت بشناسد. (۴)

استعمار بریتانیا درحالی‌که عدن (پایتخت یمن جنوبی) را به پایگاه بزرگ نظامی خود مبدل کرده بود، در سال ۱۹۳۷ رسماً آن را مستعمره خویش اعلام کرد و در سال ۱۹۵۹ بر آن شد تا در میان رژیم‌های تحت‌الحمایه جنوب عربی خود «فدراسیون جنوب عربی» را ایجاد نماید که سه سال بعد در (۱۹۶۲) به ایجاد این فدراسیون موفق گردید. اما جنبش‌های ضد استعماری در حال اوج‌گیری بودند. (۵)

در ۱۴ اکتوبر ۱۹۶۳ مبارزین یمن جنوبی به رهبری جبهه ملی، قیام گسترده‌یی را علیه استعمار انگلیس آغاز کردند. در ۳۰ ۱۱۰ ۱۹۶۹ حکومت استعماری انگلیس در یمن جنوبی سرنگون و نظام جمهوری مستقر شد و در سال ۱۹۷۰ به «جمهوری دموکراتیک مردم یمن» با گرایش سوسیالیستی مسما گردید و دشمنی غربی‌ها علیه این کشور جدی‌تر شد. (۶)

در یمن شمالی از سال ۱۹۱۸ (حصول استقلال) تا ۱۹۶۲ نظام شاهی برقرار بود، همچنین جنبش‌های ضد شاهی اوج می‌گرفت و «حوثی‌ها» به حیث پیشوایان مذهبی زیدیه قدرت در این کشور را به عهده داشتند. در انقلاب ۲۶ دسمبر ۱۹۶۲ نظام شاهی سرنگون شد و نظام جمهوری روی کار آمد. سنی‌های بنیادگرای مذهبی، قدرت بیشتر یافتند و زیدی‌ها ناخرسند شدند. (۷)

از انقلاب ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۰ خانواده آل سعود در عربستان سعودی که دشمن آزادی، دشمن نظام و عدالت اجتماعی بودند، مدت هشت‌سال در امور داخلی یمن شمالی دخالت و از مخالفان سرسخت مسلح نظام جمهوری، حمایت کردند. تا این‌که در سال ۱۹۷۰ بر اثر مداخله دولت سعودی و استعمار غرب، طی کودتای نظامی، نظام جمهوری منحل شد و شورای نظامی اداره استبدادی را به‌دست گرفت و در ۱۹۷۸ پس از هشت‌سال استبداد نظامیان طرفدار سعودی، دوباره نظام جمهوری به رهبری علی عبدالله صالح به‌وجود آمد. (۸)

به‌دنبال فروپاشی جماهیر شوروی، نظام‌های متمایل به سوسیالیسم یکی پی دیگر در جهان مضمحل گردید، نظام دموکراتیک مردمی یمن جنوبی نیز زیر فشار کشورهای استعماری و دولت سعودی سقوط نمود، شمالی‌ها به رهبری علی عبدالله صالح در حمایت بیرونی‌ها ابتکار اتحاد یمن را به‌دست گرفته، در سال ۱۹۹۰-۲۲ اتحاد دو یمن (شمالی و جنوبی) تأسیس شد و دولت واحد «جمهوری عربی یمن» به‌وجود آمد. (۹)

هرچند علی عبدالله صالح خود زیدی بود، اما بر اثر مخالفت یکی از پیشوایان خانواده مذهبی زیدی به نام «حوثی»، زیدی‌ها بر ضدحکومت استبدادی

علی عبدالله صالح متحد گردیده به‌مبارزه برخاستند و در سال ۲۰۰۴ وارد مبارزه مسلحانه علیه دولت مرکزی یمن شدند، «صالح» آن‌ها (زیدی‌های هم‌مذهب خود را) تروریست خوانده، به سرکوب شدید آن‌ها اقدام کرد و هزاران تن آن‌ها را به‌قتل رساند.

در سال ۲۰۱۰ که به «بهار عربی» مسما شده است، در کشور عربی یمن نیز علیه علی عبدالله صالح قیام صورت گرفت و صالح از کشور پس از ۳۲ سال حکم‌روایی فرار کرد. (۱۰)

هرچند در یمن عبدربه منصور هادی به‌قدرت رسید، اما حوثی‌ها دارای قدرت و نفوذ بیشتری شدند؛ زیرا دولت مرکزی «هادی» توان اعمال قدرت را نداشت. نیروهای مخالف منصور هادی چون: حوثی‌ها، جنبش انصارالله و نیروهای طرفدار عبدالله صالح رئیس‌جمهوری مخلوع و فراری و گروه‌های دیگری

۲۰۰۰

بمب‌های خوشه‌یی فراوانی را به عربستان سعودی فروخته است، و حالا سعودی آن‌ها را بر سر مردم مسلمان یمن می‌ریزد. این عمل دولت سعودی «جنایت جنگی» خوانده شده است.

به گزارش سخنگوی نیروهای سعودی: اگر انصارالله و نیروی‌های علی عبدالله صالح تسلیم هم شوند، آن‌ها به حملات‌شان در یمن ادامه خواهند داد. (۱۲)

حوثی‌ها چه کسانی هستند و چرا پای ایران به میان آمده است؟

حوثی‌ها پیروی فرقه مذهبی زیدیه‌اند. زید فرزند علی بن حسین معروف به امام سجاد بود و امام سجاد چهارمین امام شیعیان جهان می‌باشد که در سال ۹۴ هـ ق به دستور ولید بن عبدالملک اموی مسموم شد و به شهادت رسید.

یمن زیر چکمه‌های خونین استعمار



هادی» با کشورهای همسایه به‌ویژه سعودی خراب شد و کشورهای عربی شامل حلقه دولت سعودی سفارت‌خانه‌های خود را در یمن بستند، رابطه حوثی‌ها با دولت اسلامی ایران بیشتر و نزدیک‌تر شد، میان صنا و ایران خطوط هوایی ایجاد و تهران به‌حمایت آن‌ها پرداخت.

چرا دکتر اشرف غنی کاسه داغ‌تر از آتش برآمد؟

از لحاظ سیاسی، دو تیر کاملاً خطا از تفنگ دکتر غنی که دانشمندی جهانی نیز خوانده شده، برآمده و درایت سیاسی دولت وی را به باد داده است.

تیر نخست در امریکا رها شد، آن‌جا که گفت: از طالبان باید معذرت خواهی شود. یعنی این‌که مردم از کسانی که ۲۱ سال است علیه آن‌ها مرتکب ترور، قتل و کشتار، انفجار، انتحار، سربریدن، سوزاندن... می‌شوند، معذرت بخواهند. این تیر هوایی مانند بمبی ناپال در جامعه منفجر شد و از زمین و آسمان، مردم این سخن را تقبیح کردند.

دومین تیر خطا از ارگ، در رابطه با لشکرکشی و تجاوز آشکار نظامی عربستان سعودی بر کشور مستقل یمن رها شد. آقای دکتر غنی از تجاوز سعودی بالای یمن حمایت کرد و موجب عصبانیت مردم افغانستان شد. تحلیل‌گران و آگاهان، این اظهارات ارگ‌نشینان را محکوم و با آن مخالفت کردند. زیرا هیچ کشوری به حریم شریفین تجاوز نکرده است تا مردم و دولت افغانستان علیه آن موضع بگیرند. معلوم می‌شود که دولت دکتر غنی به سوی خودکامه‌گی می‌رود. مردم افغانستان طعم تلخ تجاوز را بارها چشیده‌اند، اما غنی و تیم وی که قدرت امروز خود را مدیون حمایت مستقیم مالی و سیاسی سعودی‌اند، می‌خواهند با حمایت از تجاوز علیه یمن، به دولت عربستان خوش‌خدمتی کنند؛ خوش‌خدمتی‌یی که می‌تواند افغانستان را به تباهی سوق دهد.

حوثی‌ها برای این قیام چه توجیهی دارند؟

زیدی‌ها که خود را پیروان اهل بیت پیغمبر و مدافع عدالت می‌خوانند، در واکنش به حاکمیت فاسد و استبدادی ۳۲ساله علی عبدالله صالح قیام کردند، اما متأسفانه حالا حامیان عبدالله صالح در یک اتحاد سیاسی کنار آن‌ها قرار دارند. آن‌ها که در گذشته خواهان خودمختاری بودند، حالا خواهان حاکمیت بر سراسر یمن هستند. از همراهان دیگر زیدی‌های حوثی، جنبش انصارالله؛ جنبشی آب‌دیده در جنگ است. زیرا در سال ۲۰۰۹ دولت عربستان سعودی در همکاری با دولت عبدالله صالح در مناطق مرزی عربستان و یمن اقدام به سرکوبی انصارالله نموده بود. اما این‌بار شرایط متفاوت‌تر است. حوثی‌های انقلابی، کمیته‌های انقلابی مردمی و گروه‌های ارتشی نزدیک به عبدالله صالح «زیدی» را با خود دارند و سعودی به‌شدت نگران قدرت گرفتن شیعیان زیدی در یمن و حضور ۲۰ درصدی شیعیان در داخل عربستان سعودی، بحرین و کشورهای عربی به‌ویژه جنبش حزب‌الله در لبنان است. مسلماً متلاشی کردن این جنبش‌ها و گروه‌های سخت‌جان دشوار است؛ اما شاید ایجاد جایگاه دوباره برای منصور هادی در دولت یمن یکی از گزینه‌ها باشند.

به هر صورت، بر پایه ادبیات سیاسی و منطق سیاسی، حمله به یمن یک تجاوز آشکار است و دولت سعودی، متجاوز اصلی این میدان شناخته می‌شود.

منابع:

- ۱- اطلس گیتی‌شناسی، نشر موسسه کاتوگرافی ایران، ص ۱۶، سال ۱۳۸۵ خورشیدی
- ۲- همان اثر بالا، ص ۹۶
- ۳- کتاب افغانستان و جهان (بخش آسیا و افریقا)، مرکز مطالعات وزارت خارجه افغانستان، ص ۱۷۵، سال انتشار ۲۰۰۴، انتشارات میوند
- ۴- اطلس گیتی‌شناسی، ص ۹۶، «افغانستان و جهان»، ص ۱۷۵
- ۵- افغانستان و جهان، «بخش آسیا و افریقا»، ص ۱۷۵
- ۶- همان اثر بالا، ص ۱۷۶
- ۷- هفته‌نامه ارمنان ملی، ۱۲ حمل ۱۳۹۴، کابل افغانستان و جهان، ص ۱۷۶
- ۸- همان اثر بالا، ص ۱۷۶
- ۹- هفته‌نامه ارمنان ملی، ۱۲ حمل ۱۳۹۴
- ۱۰- همان اثر بالا در «ارمنان ملی»
- ۱۱- هفته‌نامه سنجه، مورخ ۱۵ حمل ۱۳۹۴، کابل

زید بن علی از خانواده و اهل بیت پیغمبر بزرگ اسلام (ص) بود که زیر فشارهای سیاسی بارها به دربار هشام بن عبدالملک اموی برده شد. وی می‌کوشید هشام را نصیحت کند تا از ظلم و فسق و فجور دست بردارد، اما موثر واقع نشد. او را یک بار از کوفه نیز اخراج کردند، ولی به اثر نامه‌های پی در پی کوفیان به کوفه برگشت و در سال ۱۲۲ هـ ق علیه دولت فاسد و مستبد هشام اموی قیام را آغاز کرد؛ زیرا موصوف یک هفته قبل از موعد معین‌شده قیام را آغاز کرده بود و گروه‌هایی که به وی وعده همکاری در قیام را داده بودند، به‌وقت لازم نرسیدند. حرکت زید با شکست مواجه گردیده، خود و یارانش پس از سه روز مقاومت مانند یاران امام حسین شهید شدند. (۱۳)

پیروان زید بعدها فرقه مذهبی‌یی به نام «زیدیه» ایجاد کردند. طرف‌داران فرقه زیدیه بیشتر در یمن شمالی و شمال ایران حضور دارند، آن‌ها از جمله شیعیان ۱۲ امامی نیستند. مذهب شیعه دارای فرقه‌های متعددی مانند زیدیه، کیسانیه، افتحیه، غالیه، اسماعلیه... است. (۱۴) وقتی رابطه یمن بعد از فرار «منصور

که هرکدام اهدافی خاص داشتند، علیه او متحد شده، در سپتمبر ۲۰۱۴ «صنا» پایتخت یمن را متصرف و در جنوری سال ۲۰۱۵ وارد کاخ ریاست جمهوری یمن شدند. حوثی‌ها که گاهی طرف‌دار خودگردانی مناطق خویش بودند، حالا که پایتخت کشور را گرفته‌اند، آرزوی رهبری کل یمن را دارند. (۱۱)

وقتی حوثی‌ها نزدیک پایتخت شدند، منصور هادی پایتخت را به شهر «صنا» (پایتخت یمن جنوبی سابق) منتقل کرد و زمانی که حوثی‌ها نزدیک صنا شدند، وی به عربستان سعودی گریخت.

عربستان سعودی تحت حمایت کشورهای بزرگ استعماری وقتی نفوذ خود را در منطقه به خطر دید و نگران سرایت افکار آزادی‌خواهانه به کشور خود شد، در همکاری با تعدادی از کشورهای عربی و کشورهای استعماری غیراسلامی ارتش ۱۵۰ هزار نفری را برای مداخله در یمن آماده کرد و حملات نظامی بر صنا را آغاز کرد که تا کنون صدها کشته و مجروح به‌جا گذاشته است.

به گزارش رسانه‌ها، ایالات متحده از سال ۱۹۷۰ تا

رویکردی آیدتیکی

ابدین پاپی

بخش دوم

سارتر زیبایی فی نفسه و ذات زیبایی را برای هنر زیباتر و مفیدتر از زیبایی روساخت در هنر قلمداد می کند. می توان گفت نگاه سارتر به گفتار زیباشناسی با نگاه دکارت در زوایایی به تاسی از هرمنوتیک جدید در حرکت است و پشت بند و سازنده این نوع هرمنوتیک نیز مفکر قرار دارد. ایمانوئل کانت فیلسوف برجسته آلمانی نیز نخستین کسی بود که نظریه درونی درباره زیباشناسی در فلسفه اش عرضه کرد. او در نقدهای سه گانه اش درباره عقل نظری، عقل عملی و قوه حکم به تفصیل درباره زیبایی، ماهیت و معنا و معیار زیبایی آن سخن رانده است. کانت بر این نظر استوار است که میان زیباشناسی و اخلاق رابطه موثقی وجود دارد و وثیق بودن زیباشناسی را با اخلاق تجویز می کند. مسأله تخیل، ذوق، لذت، و رنج و خلاقیت هنرمند نیز از محورهای زیباشناسی کانت است.

لاپوچاد نیز از دیگر صاحب نظران در حوزه زیباشناسی است. وی درباره زیباشناسی با کانت همگام است. چه این که می گوید: «نیازی به واژه ها نیست، خود لکه رنگ همه چیز را می گوید». وی هنر را صاحب زبان نمی داند. بدین سان که می گوید: «هنر، یک زبان نیست. درست نیست که ما فقط از طریق نمادها و نشانه ها رابطه برقرار کنیم. لاپوچاد تعهد دیگری به هنر دارد. وی نه از راه فیگوراتیو (هنر پیکرنا) بلکه روی ماهیت و وسعت قلمرو هنر نقاشی تأکید دارد و ارتباط میان انسان و دنیا را نقاشی می کند. وی بر این اعتقاد راسخ است که زیبایی فقط موضوع هنر نیست، بلکه گوشت و خون و همه موجودیت هنر است. بنابراین نگاه معناگرای لاپوچاد نیز به هنر از عمده نگاه های است که ما را با درونیات و ذات هنر آشنا می کند نه بیرونیات و ساختار هنر. لذا می توان کلافی عمیق و معناگرا را بین کانت و لاپوچاد در مورد زیباشناسی مشاهده کرد که محوریت بحث در مورد هنر را میان این دو مشترک ساخته است.

۲- اقسام زیبایی

الف) زیبایی طبیعی پایه
ب) زیبایی مصنوعی پایه

الف) زیبایی طبیعی پایه

زیبایی طبیعی به آن زیبایی گفته می شود که فی نفسه در طبیعت وجود دارد. طبیعت در این مقوله شامل مولید چهارگانه هستی است. مولید چهارگانه ای که موجودیت وجود را به اثبات رسانده اند. به عنوان مثال: انسان، کوه، دریا، رود، جنگل، خورشید، ماه و ... که فی نفسه دارای زیبایی اند و البته در ساختار آنها نیز زیبایی نهفته است. بنابراین به چنین فرآیندی زیبایی طبیعی پایه می گویند. لذا اکثر هنرهای رئال از تابلوی نقاشی گرفته تا شعر و موسیقی و ... از زیبایی پایه تبعیت می کنند. چرا که پیامد زیبایی طبیعی را این قلم «تکرار» می نامد. تکرار همان نقاشی و یا تصویر کردن یک شی و یا حتا یک انسان است که قبلا توسط نقاشان زبردست صورت می گرفت و اکنون نیز عکاس جای نقاش را گرفته است. ولی در شعر و دیگر هنرهای هفتگانه، به انحاء دیگری صورت می گیرد. زیبایی طبیعی تکرار همان زیبایی به شمار می آید که هنرمند عین معنا را تکرار می کند. به عنوان مثال: نقاشی های رئال که مصداقی بارز از طبیعت و با تبعیت کامل از آن رخ می نمایند، نوعی زیبایی تکرار است. لذا در یک جمع بندی کلی می توان گفت زیبایی طبیعی یا بنیادی به عنوان بستر و زمینه ای است که شرایط را برای هنرمند در جهت هنری رئالیسم توأم با تکرار فراهم می کند.

ب) زیبایی مصنوعی پایه

زیبایی مصنوعی پایه به آن نوع زیبایی اطلاق می شود که در بستر ذهن شکل می گیرد و امروزه به آن دنیای ذهنی می گویند. این دنیای مصنوعی پایه با پشتوانه ای

به نام فکر و مفکر بوجود می آید. فکر را انسان تولید می کند و همین تولید فکر اگر دارای کارکرد و کاربردی عمیق باشد، به مرور زمان تبدیل به مفکر می شود. مفکر کسی است که دارای افکار جنگ آسا و فرارونده است و می توان به آن در جهت اقتباس فکر رجوع کرد و یا در زوایایی همین مفکر می تواند طبیعت باشد که با نگاهی متفکرانه از جانب صاحب نظری به نام انسان به وجود می آید. بنا بر این

زیبایی

مصنوعی پایه به

زیبایی اطلاق می شود

که ساخته دست بشر است و

اغلب کاراکترهای آن را متفکر از دنیای

ذهنی اقتباس می کند. به عنوان مثال: یک تابلوی

سورنال که از جانب یک نقاش تصویر می شود، نوعی

زیبایی مصنوعی است که خالق آن هنرمند است. حال

پیامد همین زیبایی مصنوعی، معانی و مفاهیمی است

که به ذهن مخاطب منتقل می شود و رفتارهایی هنری را

برای آن ایجاد می کند. این رفتارهای هنری که از بستر

زیبایی مصنوعی و یا همان تابلوی سورنال و یا شعری

سورنال تراوش می کند را می توان زیبایی مصنوعی از

جنس تقلید برشمرد. یعنی فرق بین تکرار در زیبایی

طبیعی و تقلید در زیبایی مصنوعی این است که در

زیبایی طبیعی کار تکرار همان تکرار معنای اصلی

طبیعت است و به تعبیری هنرمند همان چیزی که وجود

دارد را تکرار می کند؛ ولی در زیبایی مصنوعی هنرمند

مقلد است، یعنی هنرمند ویژه گی های زیبایی های

مصنوعی را به تصویر می کشد. به نوعی می توان گفت

هنرمند یک تشریح ساز است نه تکرار ساز؛ چون کارش

بیان کردن ویژه گی های زیبایی مصنوعی پایه است. ولی

در زیبایی طبیعی هنرمند بیان گرا نیست، بلکه تکراری

بدون تشریح و بیان را عنوان می دارد.

۳- رویکردی به نظر و منظر در مقوله زیباشناسی

می آیند که در هر سه جهانی که در بالا بدانها اشاره شد، موثر افتاده اند. چه این که با رویکردی معرفت شناسانه درمی یابیم که این دو واژه هم ابژه هستند و هم سوژه و در جهت شناختن هر چه بیشتر خود حالتی گونه گون نیز به نمایش می گذارند.

نظر از لحاظ لغوی به معنی نگاه و نگرستن است، ولی از حیث مفهوم فرآیندی است که مقوله منظر را در بر می گیرد. نظر به سه نوع تقسیم می شود: نظر وجود، - نظر خاص و نظر عام. نظر وجود نظری است که تمام کائنات طبیعی و مافوق طبیعی را در برمی گیرد و از آن به عنوان منظر نیز یاد می شود. خداوند یزدان هم نظر است و هم منظر. چون جهان آفرینش خود منظر است که از جانب نظر حق به وجود آمده است. نظر خاص به نظری

گفته می شود که
و
سعت

نظر ش

پایین تر از نظر وجود

است و با تبعیت از آن به

وجود می آید. این نظر بیشتر شامل

فلاسفه و عرفاست که عرفان نظری و عملی

را طی می کنند و به عین الیقین می رسند. لذا این نوع

نظر می تواند در فلسفه نمایان شود و یا در هنر و ...

نظر عام نیز دیگر نظری است که افق دید آن محدود

است و بیشتر در زنده گی عامیانه مردم تعریفی به خود

می گیرد. بنابراین فرق بین نظر خاص و عام در عمق و

وسعت این دوست، چه این که نظر خاص فراتر از خود

می رود و منظرهایی متفاوت را متولد می سازد ولی در

نظر عام افق دید بیشتر طولی است نه عرضی.

منظر از مکان می آید و به کسی یا چیزی گفته می شود

که می توان از آن نظرهایی مفید و سازنده را در ابعاد

مختلف تزریق نمود. بنابراین این منظر می تواند منظر

الهی باشد و یا طبیعی و یا منظر اجتماعی. با این

تفاسیر، زیباشناسی در همه زوایا از نظر و منظر تزریق

به عنوان مثال، سرودن غزلی عرفانی و یا عاشقانه و اجتماعی، بستری عارفانه عاشقانه و یا اجتماعی را می طلبد تا بتوان خیال خود را در این بستر فرود آورد. زیرا که وقتی می گوئیم درون مایه شعر عاشقانه است و یا سیاسی و اجتماعی، در واقع این درون مایه از بستری به نام منظر خاص خود اقتباس شده است. لذا نظر و منظر لازم و ملزوم یکدیگرند و البته نمی توان یکی را مقدم بر دیگری دانست. چه این که این دو بر اساس شرایط و تحولات اجتماعی دچار پوست اندازی می شوند و جای خود را به یکدیگر واگذار می کنند. شاید بتوان گفت نوعی همذات پنداری و دیگر پنداری در کنه این دو واژه پیداست که به درونیات فطری و طبیعی این دو واژه مرتبط می شود. بنابراین هر هنرمند برای سرایش، نواختن، خواندن و کشیدن و ... نیاز به بستری به نام منظر دارد و تا منظر نباشد، خلاقیتی در کار نیست و طبعاً تا نظری هم نباشد، هرگز منظر به وجود نخواهد آمد. نکته این جاست که نظر می تواند فاعل باشد و منظر مفعول. ولی همین مفعول که منظر است نیز نظر سازی می کند. لذا هنرمند از نظر به منظر می رود و از منظر نیز به نظر می آید. با این

زیباشناسی

تفا صیل

برای شناختن

هر اثر هنری اعم از سنتی،

پست مدرن نیاز به شناخت از نظر و منظر

می باشد و اگر هنرمند خوب بتواند با جهان اسطوره ای

ذهنی و عینی ارتباط برقرار نماید و به اصطلاح منظر

جهانی خود را پیدا نماید، هم چارچوب فکری خود را

دریافته و هم این که خود را در اتیمولوژی منظر خود

سهیم ساخته است.



می کند و هر زیبایی را باید از طریق این دو مورد واریسی قرار داد. متفکر با بهره گیری از نظری زیبا سعی بر آن دارد تا خصایص زیبای خود را از منظر طبیعت اقتباس نماید. لذا بدون بستری به نام منظر، نظر بی معناست. چه این که حرف «بر» در میان نظر و منظر بسیار مهم است. چون وقتی نظر می اندازیم، در واقع آن چه به ذهن متبادر می شود، نظر بر منظر است. به بیانی دیگر، «بر» همان منظر است که نظر به سمت آن سوق داده می شود.

می توان چنین پنداشت که زیباشناس در دو جهان زیست می کند؛ یا در جهان عینی است و یا جهان ذهنی. البته جهان اسطوره ای نیز از دیگر جهان های است که به جهان ذهنی نزدیک تر است. به نظر می آید که شاهنامه فردوسی تنها در جهان ذهنی اتفاق نیفتاده، بلکه تلفیقی از جهان ذهنی و اسطوره ای است. لذا با رهیافتی که برای آغاز مبحث گشوده شد، می توان وارد مبحث اصلی شد. نظر و منظر از دو مولفه فرارونده به شمار

دست‌های نامرئی ناامنی‌های شمال

علی پارسا

فصل بهار در افغانستان فقط از سرسبزی و رویش خیر نمی‌دهد، بلکه این فصل در سرزمین انفجار و انتحار، خبر از آغاز دوباره جنگ و ناامنی نیز می‌دهد. در این سال اما به نظر می‌رسد که هرجا سرسبزتر و بهاری‌تر است، سرخ‌تر و خونین‌تر از انفجار و انتحار هم است! به این ترتیب، طبیعت زیبای شمال کشور، بهار امسال را با موجی از ناامنی‌های شوم و اسف‌بار آغاز می‌کند.

حمله ناجوان‌مردانه دشمنان مردم افغانستان و مزدوران بیگانه‌گان به دادستانی ولایت بلخ که در آن ۱۸ هموطن عزیزمان کشته و ۶۸ تن دیگر زخمی شدند، در کنار ناامنی‌های اخیر در دست‌کم پنج ولایت دیگر شمالی، همه نشانه‌های آشکاری بر تلاش مذبوحانه دشمنان در ناامن‌سازی شمال کشور است. ولایت‌های بدخشان، فاریاب، تخار، سرپل و کندز بر اساس گزارش‌های تازه، شاهد نبردها و ناامنی‌های مضاعفی هستند که بنا به تأیید مسولان امنیتی محلی، آسیب‌هایی بر مواضع نظامیان کشور وارد کرده است.

پا گرفتن این‌گونه اقدامات در شمال کشور که پیش از این کمتر شاهد چنین ناامنی‌های گسترده‌یی بوده، نشان از پروژه جدید دشمنان افغانستان برای ناامن‌سازی مناطق امن کشور دارد. هرچند در پشت این‌گونه تحرکات، دست طالبان و استخبارات کشورهای منطقه قرار داشت و دارد، اما گمان می‌رود هم‌اکنون علاوه بر این دو بازیگر، بازیگران داخلی و خارجی دیگری هم در صحنه حضور یافته‌اند.

نمونه عمده بازیگران خارجی فعال در ناامنی‌های اخیر، حرکت اسلامی ازبیکستان است که در هفته گذشته با نشر کلیپ ویدیویی گردن زدن یک سرباز اردوی ملی کشور، رسماً حضور فعال خود را در افغانستان به مردم و دولت گوشزد کرد. این گروه ادعا کرده است که عامل گروگان‌گیری ۳۱ تن از شهروندان کشور در ولایت زابل بوده و سربازی را که گردن زده، یکی از همین اسیران است. شکی نیست که این گروه افراطی و عوامل خارجی

دیگری نیز در ناامن‌سازی صفحات شمال نقش داشته‌اند. چنان‌که قبلاً هم مسولان امنیتی کشور از حضور بیش از ۱۰۰ گروه تروریستی تنها در شهر کابل خبر داده بودند و با این قیاس باید گفت که متأسفانه ناامنی‌های ولایات شمالی کشور، تنها در انحصار یک گروه هراس‌افکن نیست. با این وجود، آنچه بر نگرانی از ناامنی‌های اخیر می‌افزاید، موضوع حضور و دست داشتن عناصر داخلی در درون نظام در ناامنی‌های اخیر در شمال



بانک ملی افغان قرضه‌های بلندمدت می‌پردازد



بانک ملی افغان و برد متشبین ملی کشور تفاهنامه ای را به منظور ارایه قرضه‌های بلند مدت با مفاد پایین تا سقف ۲۰۰ میلیون دالر با متشبین داخلی امضا کرد.

احمدخسرو ضیا سرپرست بانک ملی و رحم خان حاجی آقا رییس برد متشبین ملی تفاهنامه‌یی را به منظور ارایه تسهیلات قرضه‌های بلندمدت به امضا رساندند.

این قرضه‌ها برای مدت ۵ تا ۱۰ سال با مفاد ۸ تا ۱۰ درصدی بوده که مبلغ آن بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون دالر خواهد بود.

احمدخسرو ضیا، سرپرست بانک ملی افغان خاطر نشان ساخت که طبق این تفاهنامه در مفاد قرضه‌ها تا ۵ درصد کاهش خواهد آمد که پیش از این مفاد آن ۱۸ تا ۲۰ درصد بوده ولی با امضای این تفاهنامه این مفاد به ۸ تا ۱۰ درصد کاهش خواهد یافت.

وی با اشاره به اینکه پیش از این همواره بانک‌ها از نبود زمینه‌های سرمایه‌گذاری و متشبین داخلی از نبود سرمایه و قرضه شکایت داشتند؛ افزود: ما بر آنیم که با امضای اینگونه تفاهنامه‌ها، فاصله بین بانک‌ها و متشبین و تاجران کشور را کاهش داده و زمینه‌های سرمایه‌گذاری را در کشور فراهم کنیم.

رحم خان حاجی آقا، رییس برد متشبین ملی کشور در مورد این تفاهنامه گفت که این قرضه‌ها به بخش‌های مختلف اختصاص خواهد یافت و مقدار قرضه برای هر بخش متفاوت خواهد بود؛ ولی مفاد آن در همه بخش‌ها ۵ درصد کاهش خواهد یافت.

وی مشکل کمبود پول و منابع مالی را یکی از مهمترین مشکلات متشبین برای سرمایه‌گذاری در کشور دانست و برآز امیدواری کرد که با عقد قراردادهای اینچنینی، مشکلات متشبین کاهش یابد.

رییس برد متشبین ملی کشور تصریح کرد که سرمایه‌گذاری در بخش‌های زراعت به خاطر زیربنایی بودن این بخش، در اولویت خواهد بود.

خان جان الکوزی، معاون اتاق تجارت نیز با استقبال از امضای این تفاهنامه از همه بانک‌های خصوصی و دولتی خواست تا با ارایه تسهیلات این چنینی، زمینه سرمایه‌گذاری و پیشرفت اقتصادی در کشور را فراهم کنند.

احمد ضیا مسعود، نماینده رییس جمهور در امور حکومت داری خوب با حضور در این نشست بیان داشت که در ارتباط بین بانک‌ها و صنعت کاران باید یک تغییر عمیق ایجاد شود؛ چرا که دیده می‌شود این دو با توجه به ارتباط موثری که می‌توانند داشته باشند، از هم دور هستند.

وی در حالی که بر این باور است که فعلاً واردات کشور نسبت به صادرات بسیار رقم بالاتری دارد و اگر همین منوال ادامه داشته باشد کشور به سمت مصرفی شدن پیش می‌رود؛ تشکیل شرکت‌های سهامی را یکی از راه‌های موثر برای تشکل سرمایه می‌داند.

نماینده رییس جمهور در امور حکومت داری خوب در مورد کارکردهای دولت وحدت ملی در بخش اقتصادی گفت که هنوز در مدت ۶ ماه، هیچ کار اقتصادی کلانی صورت نگرفته و دولت اکنون مصروف تشکیل کابینه بوده است.

آقای مسعود ابراز امیدواری کرد که بعد از تشکیل کابینه به سرعت کارهای اقتصادی در بخش‌های زیربنایی نیز صورت خواهد گرفت.

تنش میان چین و افغانستان...

در وضعیت حاصل نشده است. شبه نظامیان طالبان کنترل خود بر منطقه اطراف «عینک» را شدیدتر کرده و شرکت سهامی گروه متالورجیکال پس از تهدیدها و حملات راکتی کارگران چینی خود را سال گذشته میلادی از این کمپ حفاظتی خارج کرد.

البته حفظ بقایای این شهر باستانی بودایی نیز یک مشکل محسوب می‌شود. اقدامات باستان‌شناسی برای حفظ این میراث بسیار حساس است و باید آرام صورت گرفته و پیش از آغاز استخراج معدن پایان یابد.

این پروژه بر روابط تجاری افغانستان با چین و افزایش نقش پکن در کابل تأکید دارد.

کشور است. گزارش‌های تأیید نشده حکایت از تلاش برخی از حلقه‌های داخلی در ناامن‌سازی ولایات شمالی کشور دارد. این افراد با استفاده از نفوذ و قدرتی که در ساختار حکومت وحدت ملی دارند، می‌کوشند تا میدان بازی خون و آتش را به مناطق امن کشور از جمله ولایات شمالی بکشانند و به این ترتیب، به اهداف شوم خود نایل آیند.

پیش از این هم، مقامات بلندپایه حکومتی از جمله وزیر داخله پیشین، از نفوذ جاسوسان و عوامل خارجی در کرسی‌های بلند این ارگان امنیتی خبر داده بودند. حالا هم که حکومت وحدت ملی بیش از هر زمان دیگری روزگار انحطاط و اختلافات درونی را سپری می‌کند، فرصت مناسبی برای این عناصر فرصت‌طلب فراهم شده تا مانور بیشتری در ولایات امن کشور اجرا کنند. به نظر می‌رسد که حضور این عناصر داخلی مخرب، بیش از هر آفت دیگری عرصه را برای ناامنی در کشور فراهم می‌کند. در نتیجه انتظار می‌رود که دولت‌مردان حکومت وحدت ملی به چینش و ختنش کردن این عناصر در اسرع وقت اقدام کنند؛ ورنه خود به دست داشتن در این اعمال مخربانه متهم خواهند شد.

یکی از شایبه‌های جدی و اتهامات اساسی که چندان هم بی‌مایه نیست، مسأله دست داشتن مقامات و مسولان حکومت وحدت ملی در ناامن‌سازی‌های اخیر است که گفته می‌شود برآمده از دل یک بازی کثیف با استفاده از کارت قومیت است. رییس‌جمهور غنی و برخی مسولان بلندپایه حکومت باید برای زدودن این اتهامات و میرا کردن خود از آن‌ها، پاسخ عملی درخوری به ناامنی‌های اخیر داده و درست در مقطعی که بسیاری‌ها حکومت فعلی را حکومتی چندپاره و غلتیده به دام گرایش‌های قومی می‌دانند، وجهه ملی و فراقومی خود را در کنار توان سیاسی و نظامی خود به نمایش بگذارند.

در هفته گذشته، حوادث انفجاری، حملات انتحاری و حملات گروهی در ولایت‌های بلخ، بدخشان، غزنی، فراه، فاریاب، کنر و برخی ولایت‌های دیگر ده‌ها قربانی از نیروهای امنیتی و افراد ملکی گرفته است.

می‌کند که پاکستان تا چه میزان در گفته‌های خود مبنی بر همکاری با حکومت افغانستان در روند مذاکرات صلح این کشور صادق است. در همین حال، اعضای مجلس و کارشناسان می‌گویند: عملکرد حکومت پاکستان در ۱۳ سال گذشته به گونه‌یی بوده که به صداقت این کشور در همکاری با افغانستان شک دارند.

پیش از این حکومت افغانستان گفته بود، روند مذاکرات صلح دولت کابل با طالبان افغانستان در ماه مارس سال جاری میلادی آغاز می‌شود، اما با پایان این ماه هنوز این مذاکرات آغاز نشده است.

گفت‌وگوها شود. آقای ایزدیار گفت که حمایت کشورهای منطقه‌یی، جامعه جهانی و سازمان ملل متحد باید در گفت‌وگوهای صلح با گروه طالبان، حتمی است. قرار بود نخستین دور مذاکرات صلح در ماه پیش میلادی برگزار شود؛ اما اختلاف‌ها میان سران طالبان و پیشرط‌های آنان به دولت افغانستان و اختلاف دیدگاه روی چگونگی مذاکرات میان رییس‌جمهور و رییس اجرائی، عامل تاخیر در برگزاری این روند گفته شد.

او از رهبران حکومت وحدت ملی خواست که به تعهدات شان عمل کرده و مانع پراگندگی‌های درونی شوند. این در حالی است که اخیراً وقایع ناگوار امنیتی در بسیاری ولایت‌های کشور رخ داده است.

وحدت ملی هیچ فعالیتی نداشته است. معاون اول رییس‌اجرائی حکومت وحدت ملی افغانستان گفت: شورای عالی صلح زمانی برای افغانستان مفید می‌باشد که خود را از حالت منفعل خارج کند.

وی تأکید کرد: هرچند مقامات اسلام‌آباد در گفت‌وگوهای اخیر خود اظهار داشته‌اند که صادقانه با دولت کابل در روند صلح همکاری می‌کنند، اما وقایع و حوادث اخیر در مناطق مرزی افغانستان و پاکستان مجدداً صداقت این کشور را زیر سوال برد. محمد خان معاون اول رییس‌اجرائی حکومت وحدت ملی اذعان داشت: گذشت زمان مشخص

خواسته‌ها و آرمان‌های مردم نیز در نظر گرفته خواهد شد و هیچ‌گونه معامله‌یی با ارزش‌های مردم افغانستان نخواهد شد.

از سویی هم، علم ایزدیار معاون اول مجلس سنا می‌گوید: تا زمانی که اسلام‌آباد آماده همکاری با کابل نباشد، تلاش‌های حکومت افغانستان در تأمین صلح وثبات، نتیجه‌یی نخواهد داد.

معاون اول مجلس سنا از حکومت افغانستان خواست که با آغاز گفت‌وگوهای صلح، تمامی شرایط این روند برای مردم افغانستان روشن شود؛ زیرا، نباید قوانین نافذ افغانستان قربانی این

نگرانی شدید مجلس سنا...

و ختم جنگ وجود ندارد؛ تا زمانی که مسأله حمایت از تروریسم حل نشود؛ مشکلات امنیتی در افغانستان نیز حل نخواهد شد.

شورای عالی صلح لغو...

حال حاضر انحلال این شورا به نفع این کشور می‌باشد.

وی در مصاحبه با خبرگزاری پژواک گفت: در حال حاضر روند مذاکرات صلح توسط نمایندگان ویژه محمد اشرف‌غنی رییس‌جمهور افغانستان انجام می‌شود.

محمد خان افزود: با اینکه شورای عالی صلح در زمان حکومت حامد کرزی رییس‌جمهور سابق افغانستان برای گفت‌وگوهای صلح با مخالفان دولت تشکیل شد، اما این شورا بعد از روی کار آمدن حکومت

پیش از طالبان باید...

در مرحله نخست، مذاکرات صلح، باید مذاکرات جامع با پاکستان صورت بگیرد تا هر دو کشور به یک چارچوب همکاری دست یابند.

سخنگوی ارگ ریاست جمهوری می‌گوید: تاهنوز هیچ‌گونه مذاکره‌یی با گروه طالبان انجام نشده و این مذاکرات زمانی صورت می‌گیرد که مردم افغانستان در جریان قرار خواهند گرفت.

وی تأکید کرد که در جریان قرار گرفتن گفت‌وگوهای صلح، نه تنها مردم افغانستان بلکه



ونگر: آرسنال بسیار آماده است



سر مربی آرسنال از عملکرد تیمش در دیدار برابر برنلی بسیار راضی است. او می گوید شاگردانش شایسته پیروزی در این دیدار بودند؛ چرا که بازی خوبی را به نمایش گذاشتند.

آرسنال در هفته سی و دوم لیگ برتر انگلیس در خانه برنلی به میدان رفت و توانست با تک گلی که آرون رمزی به ثمر رساند سه امتیاز حساس را به دست آورد تا به روند پیروزی های پیاپی خود در هفته های اخیر

ادامه دهد.

آرسن ونگر، سر مربی فرانسوی توپچی ها از عملکرد شاگردانش در دیدار برابر برنلی بسیار راضی است. او در نشست خبری بعد از بازی گفت: از عملکرد شاگردانم در این دیدار بسیار راضی هستم؛ چرا که از ابتدای بازی تا پایان آن جنگیدیم و نشان دادیم که شایسته پیروزی هستیم. بازی خوبی را به نمایش گذاشتیم و سه امتیاز حساس را نیز به دست آوردیم.

او ادامه داد: مدافعان آرسنال بازی خوبی را در این دیدار به نمایش گذاشتند. آنها بدون اشتباه ظاهر شدند و همین باعث شد تا در نهایت سه امتیاز به اندوخته ما اضافه شود. در نیمه نخست خوب ظاهر شدیم اما در نیمه دوم بازی وضعی را به نمایش گذاشتیم با این حال می توانستیم گل دوم خود را نیز در دقایق پایانی به ثمر رسانیم. آرسنال در هفته های اخیر عملکرد درخشانی داشته و توانسته است هشتمین پیروزی پیاپی خود را به دست آورد تا با ۶۶ امتیاز در جایگاه دوم جدول رده بندی قرار گیرد و اختلاف این تیم با جلسی صدر نشین به چهار امتیاز کاهش یابد. البته شاگردان آرسن ونگر دو بازی بیشتر نسبت به جلسی انجام داده اند و این کار آنها را برای کسب عنوان قهرمانی در صورت پیروزی چلسی در این دو دیدار سخت می کند.

ونگر در پایان سخنان خود گفت: حالا آرسنال در شرایط بسیار خوبی قرار دارد. در خط دفاعی نسبت به قبل هماهنگی بسیار بالاتری داریم. نهایت تلاش خود را می کنیم تا در دیدارهای باقی مانده نیز به پیروزی برسیم تا فصل را با بهترین شکل به پایان رسانیم.

انریکه: بهتر می شویم



سر مربی بارسلونا عنوان کرد به ناراحتی نینماز از تعویض اهمیتی نمی دهد و این مسائل برای او مهم نیستند.

بارسلونا در دیداری حساس خارج از خانه برابر سویا به تساوی ۲ بر ۲ رسید تا اختلافش با رئال مادرید از ۴ امتیاز به ۲ امتیاز کاهش پیدا کند. در این دیدار زمانی که بارسلونا از حریف پیش بود ژاوی به جای نینماز وارد زمین شد ولی این بازیکن برزیلی به تعویض خود واکنش نشان داد و با ناراحتی روی نیمکت نشست.

لویس انریکه، سر مربی بارسلونا پس از بازی برابر سویا درباره ناراحتی نینماز از تعویضش گفت: اصلا برای من مهم نیست که نینماز ناراحت شده است و به این جور اراجیف توجهی نمی کنم. برای من مهم برتری تیم است و این که بتوانیم روند خوبمان را حفظ کنیم. این جور چیزها برای شما مهم هستند و برای من ارزشی ندارند.

انریکه ادامه داد: نیمه اول کاملا برتر از سویا بودیم. فوتبال زیباییبه نمایش گذاشتیم و کنترل توپ و زمین دست ما بود. متأسفانه به فاصله اندکی پس از زدن گل دوم، سویا فاصله را کمتر کرد. در نیمه دوم بازی کاملا متعادل بود و هر دو تیم موقعیت هایی داشتند. در نهایت روی اشتباه خودمان گل تساوی را دریافت کردیم. خیلی موقعیت داشتیم که مهمترین آن را سوآرس از دست داد. باید کار را تمام می کردیم و نمی گذاشتیم دقایق پایانی حساس شود. همیشه از دریافت گل ناراحت می شوم. مهم نیست به چه شیوه ای و در چه شرایطی به ثمر رسیده باشد. روی اشتباه خودمان گل دوم را دریافت کردیم اما هنوز اتفاقی نیفتاده است. صدرنشینیم و اطمینان داریم که بهتر خواهیم شد.

سر مربی جوان بارسلونا ادامه داد: کاری ندارم به این که دو امتیاز برتری ما نسبت به رئال در حال حاضر چه مفهومی دارد. از احتمالات ریاضی خوشم نمی آید. تا هفته ۳۸ نمی توان گفت کدام تیم قهرمان خواهد شد. تا پایان هفته ۳۱ ما صدرنشینیم. من روی تیم خودم و تقویم بازی های خودمان تمرکز دارم. هرچقدر حریفان رقیب مستقیم ما دشوارتر باشند، بهتر است ولی باز هم می گویم که توجه من روی تیم خودم است.

این مربی یک بار دیگر در پایان دلیل تعویض نینماز را عنوان کرد و گفت: این اولین باری بود که من چنین تعویضی انجام می دادم ولی در فصول گذشته نیز چنین تعویض هایی را در بارسلونا دیده بودیم. می خواستم با اضافه کردن هافبکها، کنترل بازی را در دست بگیریم اما نتوانستیم در اواخر بازی، حفظ توپ خوبی داشته باشیم.

بارسلونا این هفته در لیگ قهرمانان اروپا باید برابر پاری سن ژرمن قرار گیرد.

مارادونا باز هم جنجال ساز شد



اسطوره فوتبال آرژانتین این بار در کلمبیا کنترل روانی خود را از دست داد و با یک پولیس و خبرنگار درگیر شد.

مارادونا، اسطوره فوتبال آرژانتین به نظر می رسد که دست بردار رفتارهای جنجالی و حاشیه ساز خود نیست. ستاره سابق تیم ملی فوتبال آرژانتین که برای یک دیدار دوستانه به کلمبیا سفر کرده بود حرکات بسیار زشتی انجام داد که حضور او در این دیدار دوستانه را زیر سوال برد.

این دیدار که دیدار صلح نام داشت بنا به درخواست یک سیاستمدار کلمبیایی برگزار شد اما با رفتارهای زشت مارادونا زیر سوال رفت. اسطوره فوتبال آرژانتین به یک مامور حمله ور و با او درگیر شد اما به این بسنده نکرد و وقتی خبرنگاری خواست تا از صحنه عکس بگیرد به طرف او نیز حمله ور

شد و اگر این خبرنگار فرار نمی کرد مارادونا او را نیز می زد. این برای نخستین بار نیست که اسطوره فوتبال آرژانتین و جهان کنترل خود را از دست می دهد. دیگر برای همه روشن شده است که مارادونا از نظر روانی در شرایط خوبی به سر نمی برد.

دومین نمایشگاه کتاب و مناسبت

آغاز سال تحصیلی و بهار ۱۳۹۴

کتابخانه

۱۰٪
تخفیف ویژه

از تمام کتابهای:

- حقوق و علوم سیاسی
- اقتصاد و مدیریت
- جامعه‌شناسی و تاریخ
- ادبیات و زبان های خارجی
- طب و اینتلیجنس
- فلسفه های جدید و مذهبی
- کتاب های املاک و کالایز
- وسایل و کتاب های هنری
- نوشت های افسانه
- کتاب های کمک آموزشی کودکان و نوجوانان
- بازی های فکری و سرگرمی
- مطبوعات درسی و کتاب های
- نرم افزار چاپ و تصاویری

همراه با

بیشترین ویژه کودک و نوجوان

افتتاح نمایشگاه روز شنبه ۲۴ حمل ۱۰ صبح

زمان: ۲۳ الی ۲۴ حمل ۱۳۹۴

مکان: بازار قدیم، ۱۰ صبح الی عصر

محور اصلی مبارزات انتخاباتی هیلاری کلinton چیست؟

هنوز معلوم نیست که آیا سیاست های اقتصادی کلinton با اوپاما فاصله زیادی خواهد داشت یا نه. جمهوریخواهان ضمن انتقاد از سیاست های اقتصادی اوپاما، سیاست های وی را پس از بحران اقتصادی، ضد کسب و کار و ناکافی ارزیابی کرده اند. البته کاخ سفید بر این باور است که شرایط اقتصادی در سال های اخیر بهبود یافته است.

نرخ بیکاری در ماه مارس به کمتر از ۵٫۵ درصد رسیده ولی تولیدات صنعتی و ساخت خانه های جدید با افت روبرو شده است. کاهش قیمت بنزین هنوز نتوانسته موجب افزایش هزینه های مصرفی شود و مشارکت در نیروی کار نیز همچنان روندی نزولی دارد.

به نظر می رسد بیل شوفر هیلاری کلinton و چلسی دخترش قصد ندارند در رویدادهای اولیه مربوط به مبارزات انتخاباتی وی حضور یابند. بیل کلinton اخیرا اعلام کرده است که قصد دارد نقش مشاور پشت صحنه را برای همسرش در مبارزات انتخاباتی داشته باشد.

کلinton برای آمادگی در مبارزات انتخاباتی، ماه ها زمان را برای برگزاری نشست های متعدد با کارشناسان اقتصادی صرف کرده است.



انتخاباتی، مواضع سیاسی خود را به تفصیل بیان کند. مشاوران کلinton اعلام کردند که وی قصد دارد تا درباره راهکارهایی که خانوارها می توانند آموزش و پرورش کودکان را گسترش دهند و آموزش را مقرون به صرفه تر کنند، صحبت نماید.

بر عملکرد اوپاما به شمار رود، که تا حد زیادی نتوانست به قول خود در زمینه پایان دادن به تنش های حزبی پایان دهد و بخش زیادی از دوران ریاست جمهوری خود را در تنش با کنگره سپری کرده است. انتظار نمی رود کلinton در هفته های نخست مبارزات

رواق امنیت اقتصادی برای خانوارهای متوسط و گسترش فرصت ها برای خانوارهای شاغل مهمترین مسائلی خواهد بود که هیلاری کلinton در مبارزات انتخاباتی ۲۰۱۶ میلادی بر روی آنها تمرکز خواهد داشت.

به گزارش آسوشیئدپرس، هیلاری کلinton وزیر خارجه سابق و سناتور پیشین امریکا احتمالا قصد دارد روز یکشنبه نامزدی خود را برای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ میلادی اعلام کند.

باراک اوپاما رئیس جمهور امریکا نیز در مبارزات انتخاباتی ۲۰۱۲ میلادی تمرکز زیادی بر وضعیت اقتصادی خانوارهای متوسط داشت و این گونه به نظر می رسد که دموکرات ها راهبرد انتخاباتی خود را تمرکز بر این مساله قرار داده اند و در مقابل جمهوریخواهان خواستار حمایت از ثروتمندان هستند. جمهوریخواهان سیاست هایی را دنبال می کنند که منجر به وقوع رکود اقتصادی بزرگ می شود.

۲ مشاور ارشد هیلاری کلinton که خواستند نامشان فاش نشود، در این باره تاکید کردند که کلinton تمایل دارد تا خود را طوری نشان دهد که حاضر به همکاری با کنگره، کسب و کار و رهبران جهانی است. این رویکرد می تواند نقادی

در دیدار تاریخی اوپاما و رانول کاسترو مطرح شد: زمان تغییر مسیر فرا رسیده است



گفت که این کشور با شایستگی در برابر تحریم های امریکا مبارزه کرده است.

در سال ۱۹۵۹ و پس از آنکه «فیدل کاسترو» رهبر انقلابی سابق کوبا و برادرش رانول در یک انقلاب زمام قدرت را در کوبا به دست گرفتند، امریکا روابط خود با این کشور را قطع کرد. برادران کاسترو حکومتی سوسیالیستی در کوبا برقرار کردند که روابط نزدیکی با اتحاد جماهیر شوروی داشت. رهبر کوبا خواستار لغو تحریم های امریکا علیه کشورش شده و گفته است که نام کوبا باید از فهرست کشورهای حامی تروریسم حذف شود.

این در حالی است که تلاش برای بهبود رابطه امریکا و کوبا از دسامبر ۲۰۱۴ آغاز شد هنگامی که اوپاما شیوه برخورد واشنگتن با این کشور را «از مد افتاده» توصیف کرد.

نگرانی هایمان گفت و گو کنیم. ما دیدگاه های بسیار متفاوتی در این راستا که جامعه چگونه باید سازماندهی شود، داشته ایم. به رانول کاسترو صراحتا گفتم که ما می خواهیم به ارائه نظرات مان در مورد مسائلی همچون وضعیت دموکراسی، حقوق بشر و یا وضعیت آزادی رسانه در کوبا ادامه دهیم.

پس از این مذاکره روسای جمهور امریکا و کوبا در مقابل خبرنگاران با یکدیگر دست دادند.

دیدار رهبران کوبا و امریکا با استقبال گرم سران کشورهای امریکای لاتین و منطقه کارائیب مواجه شده است. «دیپلما روسف» رئیس جمهوری برزیل این ملاقات را اقدامی «شجاعانه» برای پایان دادن به آخرین بقایای جنگ سرد در نیمکره غربی جهان توصیف کرد. همچنین «کریستینا فرناندز دی کرشنر» رئیس جمهوری آرژانتین، بخش اعظم اعتبار این کار را به کوبا داد و

روسای جمهور امریکا و کوبا در حاشیه نشست رهبران قاره امریکا در پاناما رو در رو با یکدیگر دیدار و گفت و گو کردند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، این دیدار تاریخی باراک اوپاما و رانول کاسترو روسای جمهور امریکا و کوبا بیش از یک ساعت بطول انجامید.

در اولین دیدار روسای جمهور امریکا و کوبا از سال ۱۹۵۶ تاکنون، اوپاما و کاسترو در مورد تلاش های دو کشور در راستای احیای روابط دوجانبه مذاکره کردند.

اوپاما در مورد این دیدار گفت: آشکارا این یک دیدار تاریخی بود. پس از ۵۰ ساله که سیاست های ما در قبال کوبا عمل نکرد، زمان آن فرا رسیده که مسیر دیگری را در پیش بگیریم. ما اکنون در مسیر پیشرو به سوی آینده قرار داریم.

رئیس جمهور امریکا خاطر نشان کرد که اقدام فوری در مسیر احیای روابط دوجانبه بازگشایی سفارت خانه های دو کشور است. رانول کاسترو نیز به رغم استقبال از این برگزاری چنین دیداری خاطر نشان کرد که دو طرف همچنان در یکسری مسائل با یکدیگر اختلاف دارند.

رئیس جمهور کوبا در ادامه عنوان کرد: ما تمایل داریم در مورد همه موضوعات مهم برای دو طرف گفت و گو کنیم اما لازم است در این مسیر صبور باشیم. ما پیش از این به برخی از دوستان مان در قاره امریکا گفته بودیم که تمایل داریم در مورد هر موضوعی رایزنی کنیم.

اوپاما پس از دیدار با کاسترو به خبرنگاران گفت که این دیدار مثبت و مفید بود. اوپاما گفت: این تغییر در سیاست های امریکا نشان دهنده نقطه عطفی برای کل منطقه است. رانول کاسترو نیز در ادامه از اوپاما به عنوان فردی صادق یاد کرد.

رئیس جمهور امریکا همچنین عنوان کرد: نتیجه ما از این دیدار این بود که می توانیم با حفظ احترام به یکدیگر همچنان اختلاف نظر داشته باشیم. ما توانستیم صادقانه در مورد اختلافات و

اعلامیه

مطبعه امام

قابل توجه ارگان های محترم امنیتی و کشفی کشور و مردم افغانستان! به تازه گی ها متوجه شدیم که کسانی شماره تلفن همراه مرا، در پای اوراق تبلیغاتی فتنه انگیز، درج کرده اند و این سبب مشکلاتی برای من شده است.

من اعلام میدارم که هیچ رابطه ای با این متن و برنامه ندارم و از ارگان های امنیتی می خواهم که در این زمینه توجه نموده و مرا از مشکلات رهایی بخشند.

با احترام

نصیر احمد هوتک رئیس مطبعه امام

Mandegar

هزینه های تبلیغات شما در روزنامه ماندگار

ماندگار

شماره	موقعیت اعلان در روزنامه	اندازه	از ۱ الی ۳۰ روز	از ۳۱ الی ۸۰ روز ۲۰٪ تخفیف	برای ۱۸۰ روز ۴۰٪ تخفیف
۱	قسمت بالای صفحه کنار لوگو	14/4 cm	60 \$	48 \$	36 \$
۲	نصف پائین صفحه اول	16/25 cm	250 \$	200 \$	150 \$
۳	بدر در صفحه اول یا اخیر	3/25 cm	70 \$	56 \$	42 \$
۴	مکمل صفحه داخلی	36/25 cm	350 \$	280 \$	210 \$
۵	قسمت بالای صفحه اخیر	12/6 cm	100 \$	80 \$	60 \$
۶	نصف پائین صفحه اخیر	16/25 cm	250 \$	200 \$	150 \$
۷	در قسمت بالای وب سایت		برای 7 روز 400 \$	برای 14 روز 600 \$	برای 30 روز 1200 \$